

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود

تابستان ۱۴۰۱

مشاغل اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۳/۲۵

حمیدرضا مطهری^۱زهرا زارعی^۲

شیعیان، همچون دیگران برای برآوردن نیازهای خود و جامعه، به کارهای مختلف اشتغال داشتند. توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام به کسب و کار و دوری جستن از بیکاری، به نوبه خود در این فعالیت‌ها اثرگذار بوده است. با توجه به وضعیت ویژه شیعیان در آستانه غیبت حضرت مهدی (عج)، پژوهش حاضر در پی بررسی انواع اشتغال اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام است. کمبود منابع، دستیابی به اطلاعات مربوط به شغل اصحاب آن حضرت را دشوار کرده است. با وجود این، بر اساس داده‌های تاریخی موجود، شغل بیست و شش نفر از صد و ده نفر اصحاب و راویان امام علیه السلام را می‌توان مشخص کرد. تنوع این شغل‌ها که مواردی همچون: کتابت، آردفروشی، کاغذسازی، روغن‌سازی، درودگری و مس‌گری را دربرمی‌گیرد، نشان‌دهنده حضور اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در عرصه‌های مختلف حیات

۱. دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: (H.motahari@isca.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، مؤسسه معصومیه. (REjahan@gmail.com).

مهم‌تر از اشتغال، جواز و حلال بودن آن است که قوام زندگی اجتماعی متکی بر آن است. اهل بیت علیهم‌السلام همواره بر کسب درآمد حلال تأکید داشته‌اند.^۱ یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب روزی حلال، شغل مناسب است و ائمه علیهم‌السلام اصحاب خود را از بیکاری و خانه‌نشستن منع می‌کردند. با این توصیه‌ها، شیعیان در طول تاریخ، به‌ویژه در عصر حضور، همواره به کارها و مشاغل مختلف پرداخته و تلاش می‌کردند تا در زندگی، درآمد کسب کنند و محتاج دیگران نباشند و البته گاه از مشاغل خود برای یاری هم‌کیشان و هم‌مذهبان خود بهره می‌بردند. این مهم، در اواخر عصر حضور اهمیت دوچندان یافته، وسیله‌ای برای ارتباط با امام نیز می‌شد. بنابراین، شناخت مشاغل اصحاب در آستانه غیبت حضرت مهدی (عج)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در میان اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام، افراد دارای شغل‌های گوناگون بودند؛ از جمله: زیات، دقان، خشاب، صائغ، حنّاط و... . برخی از این مشاغل، حساب‌شده و با هدف مشخص انتخاب می‌شدند؛ یعنی هدف اصحاب از داشتن این مشاغل، صرفاً جهت کسب روزی نبوده و بهره‌های فراوانی از آن می‌بردند. با توجه به محدودیت‌های حکومتی که در آن زمان وجود داشت و دیدار شیعیان با امام علیه‌السلام به‌سختی صورت می‌گرفت، گاهی این مشاغل، پوششی برای دیدار با امام علیه‌السلام بود؛ برای نمونه، عثمان بن سعید، مشهور به سَمّان، از مهم‌ترین وکلای امام علیه‌السلام که بعدها به منصب نیابت خاص در غیبت صغرا رسید، عثمان بن سعید مشهور به سَمّان بود. او از طرف امام هادی و عسکری (علیهما السلام) به وکالت برگزیده شد. شیخ طوسی با اشاره به این مطلب، درباره وجه تسمیه او به سَمّان می‌نویسد: او به تجارت روغن مشغول بود تا به عنوان سرپوشی برای کار اصلی خود (وکالت) بهره‌برداری کند. در مواقعی که

۱. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۷، ص ۸۰.

مالی از شیعیان به او می‌رسید، آن را در ظرف روغن جاسازی می‌کرد و پنهانی نزد ابومحمد عسکری علیه السلام می‌فرستاد.^۱

بنابراین، برای شناخت تاریخ شیعیان در اواخر عصر حضور و شیوه ارتباط اصحاب با ائمه علیهم السلام، لازم است به این گونه مسائل پرداخته شود؛ ضمن آنکه چنین پژوهش‌هایی را می‌توان قدمی در راستای شناخت تاریخ اجتماعی شیعیان در دوره‌های مختلف به شمار آورد. درباره مشاغل اصحاب ائمه علیهم السلام در آستانه غیبت صغرا، به‌ویژه مشاغل اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، مقاله یا کتاب مستقلی یافت نشد؛ اما در ضمن برخی پژوهش‌ها، به آن اشاره شده است؛ برای نمونه، کتاب *حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام* نوشته رسول جعفریان، و مقاله‌ای با عنوان «مشاغل و حِرَف اصحاب و راویان ائمه تا پایان عصر غیبت صغرا» نوشته مجید افلاکیان و مهدی پیشوایی به چاپ رسیده که به وضع اقتصادی شیعیان و فضای اقتصادی دوران دوازده امام پرداخته و بیشتر به دوران قبل از امام عسکری علیه السلام پرداخته و البته یک پژوهش آماری مناسب از دوران ائمه علیهم السلام و بیشتر عصر صادقین علیهم السلام ارائه کرده است.

در این مقاله، سعی کرده‌ایم مشاغل اصحاب ائمه علیهم السلام در آستانه غیبت حضرت مهدی (عج) و چگونگی بهره‌گیری اصحاب ائمه، به‌ویژه امام عسکری علیه السلام برای ارتباط با آن حضرت از طریق این مشاغل بررسی شود.

مفاهیم

مشاغل، بر وزن مفاعل، از ماده «شغل» به معنای کارها، حرفه‌ها و به چیزی مشغول شدن می‌باشد.^۲ در اصطلاح، به شغل، پیشه یا فعالیتی می‌گویند که در ازای کسب مال و درآمد، انجام می‌شود.^۳

۱. محمدبن حسن طوسی، *الغیبه*، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۲. قرشی بنایی، *قاموس قرآن*، ج ۴، ص ۴۹.

۳. احمد آرام، *ترجمه الحیة*، ج ۳، ص ۳۳۵.

ضرورت اشتغال به کار از نگاه اهل بیت علیهم السلام

شغل مناسب، مایه استقلال اقتصادی و حفظ عزت و سربلندی بنیان فرد، خانواده و جامعه است. داشتن روزی حلال، ملازم با داشتن شغل مناسب است.^۱ از این رو، اهل بیت علیهم السلام در شرایط و دوران مختلف، هم خود مشغول به کار می شدند و هم پیروان خویش را به آن تشویق می کردند. اهل بیت علیهم السلام همواره منبع درآمد شخصی داشتند و بخشی از دسترنج خود را نیز در امور خیر و برای رفع احتیاج دیگران مصرف می کردند؛ برای نمونه، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جوانی، مدتی در کاروان تجاری حضرت خدیجه علیها السلام مشغول بود و امیر مؤمنان علیه السلام که در مدینه باغ و نخلستان و زمینی فراهم کرده بود و از درآمد آن استفاده می نمود.^۲

شیعیان نیز با تاسی به اهل بیت علیهم السلام به شغل اهمیت ویژه ای می دادند و با اینکه آنان دارای منصب حکومتی و یا مستمری از بیت المال بودند، از کار کردن خودداری نمی کردند؛ همچنان که سلمان فارسی وقتی حاکم مدائن بود، به کار حصیربافی اشتغال داشت. مستمری سلمان از بیت المال، پنج هزار درهم بود که آن را صدقه می داد و از دسترنج خود استفاده می کرد.^۳ بعضی از اصحاب و یاران ائمه اطهار علیهم السلام، به خصوص اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نیز در عین حال که حافظ هزاران حدیث و معارف دینی بودند، به شغل های مختلفی اشتغال داشتند و امام نیز آنان را به داشتن شغل و کسب روزی تشویق می کرد^۴ و به پرسش هایی که درباره درآمد مشاغل خود داشتند، پاسخ می داد.^۵

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ۸۹.

۲. مرعشی نجفی، شرح إحقاق الحق، ج ۱۸، ص ۷۴.

۳. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۹.

۵. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۳۹.

باید توجه داشت که ضرورت شغل، به معنای داشتن شغل ثابت و با حقوق و مزایای معین نیست؛ بلکه منظور آن است که مسلمان باید تنبلی را کنار بگذارد و هر روز دنبال روزی خود باشد؛ خواه شغل او ثابت و برای یک نهاد خاص و اداری با حقوق و مزایای ثابت باشد و یا هر روز رزق خود را با فعالیت شخصی از بازار، مزرعه، باغ و غیر آن کسب نماید.

وضعیت اقتصادی شیعیان در زمان امام حسن عسکری علیه السلام

وضعیت اقتصادی مردم در عصر ابناء الرضا علیهم السلام (۲۰۳-۲۶۰ق) به دلیل تحولات سیاسی و تحت تأثیر رقابت‌های امیران، خوب نبود و گاه شورش مردم در شهرهای مختلف، از جمله شهرهای عراق را به دنبال داشت. این وضعیت، نسبت به جامعه شیعه به مراتب بدتر می‌شد.^۱ از آنجاکه حاکمیت تا زمان مورد اشاره در اختیار حکومت‌های مخالف تشیع و اهل بیت علیهم السلام بود، شیعیان در اقلیت و مغضوب حکومت‌های وقت بودند و به صورت طبیعی، از بسیاری فرصت‌هایی که عامه می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند، محروم بودند. البته گاه ائمه علیهم السلام نیز آنان را از همکاری و اشتغال به کارهایی که به‌گونه‌ای همکاری با حکومت به شمار می‌رفت، منع می‌کردند و یا از آن اظهار نارضایتی می‌نمودند.^۲ با این حال، چون عراق سرزمین حاصل‌خیز و ثروتمند بود، طبیعی است که شیعیان نیز از مواهب خدادادی آن کم‌وبیش بهره‌مند می‌شوند. شیعیان عراق، به‌خصوص از فرصت شغلی آزاد که کمتر به حکومت مربوط می‌شد، همچون: تجارت، صراف‌ی، کشاورزی، بزازی، برده‌فروشی و کارهای خدماتی استفاده می‌کردند.

۱. محمد سهیل طقوش، دولت عباسیان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۲۱.

تقسیم‌بندی مشاغل

در یک نگاه کلی، می‌توان شغل‌های شیعیان را در دوره‌های مختلف، به‌ویژه در آستانه غیبت حضرت مهدی(عج)، به شغل‌های: حکومتی، تولیدی، تجاری، صنعتی و خدماتی تقسیم نمود:

الف. مشاغل حکومتی

از جمله مشاغل مهمی که در هر زمان از جایگاهی در جامعه برخوردار بوده و البته شیعیان به دلیل حاکمیت مخالفان، کمتر بدان رغبت نشان داده‌اند، اشتغال در مناصب حکومتی بوده است؛ اما برخی افراد در برخی مقاطع و گاه با دستور یا راهنمایی امام، شغل‌های حکومتی را نیز پذیرفته‌اند. بنی‌فرات، یکی از این خاندان‌ها بودند. آنها قبیله‌ای شیعی مذهب هستند که بیشترشان به مقام وزارت رسیدند. یکی از آنان، ابوالعباس احمدبن محمدبن موسی بن حسن بن فرات (۲۳۶-۲۹۱ ق) می‌باشد. او راوی و صحابی امام حسن عسکری علیه السلام بود و برخی وی را مردی فقیه و داناترین مردم به فقه و مذاهب اسلامی شمرده‌اند. ابوالعباس توسط پدرش که با حسن مخلدبن جراح (م. ۲۳۶ ق) وزیر رابطه دوستی داشت، وارد امور دیوانی شد.^۱

وی در دوران معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹ ق)، ریاست دیوان خراج و ضیاع را دریافت کرد و دیوان جدیدی به الدار (ادغام دیوان‌های ولایتی شامل دیوان: مشرق، مغرب و سواد) را تأسیس کرد. برادر او نیز به نام ابوالحسن محمدبن علی بن فرات (۲۴۱-۳۱۲ ق) نیز وزیر معتضد و مکتفی (۲۸۹-۲۹۵ ق) بود.^۲

از دیگر اصحاب امام که در دستگاه حکومت حضور داشت، اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی‌سهل، معروف به ابوسهل نوبختی (م. ۳۱۱ ق)، متکلم نامدار امامی، ساکن بغداد و از

۱. سید صادق سجادی، ابن فرات، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۳۸۳.

۲. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۸۳۷.

خاندان نوبختیان بود که چندین تن از آنان از زمان منصور عباسی در بغداد به عنوان منجم و مترجم و ادیب شناخته شده بودند.^۱ ابوسهل، دوران امام هادی و امام عسکری علیه السلام را درک کرده است. وی در دستگاه حکومتی، دارای مناصب دیوانی و اداری بوده و نقش مهمی در پاسداری از شئون امامیه داشته و مناظرات کلامی و اعتقادی با مخالفان امامیه داشته است. وی با حلاج که خود را نماینده امام عصر علیه السلام معرفی کرده بود، به مخالفت برخاست و در میان مردم، شخصیت او را تخطئه کرد.^۲

ب. تولیدی

در مشاغل تولیدی می توان به کشاورزی، دامداری و ریسندگی اشاره کرد که بعضی از امامان علیهم السلام خود نیز به برخی از این کارها اشتغال داشتند.

۱. کشاورزی

زراعت و کشاورزی، نه تنها در سخنان و روایات اهل بیت علیهم السلام مورد بیشترین تاکید قرار گرفته، بلکه بسیاری از پیامبران الهی و پیشوایان معصوم و اولیای الهی و علماء، به کار پرداخته و با افتخار از آن یاد می کنند؛ حتی امامان شیعه در آستانه غیبت نیز خود به برخی از این امور اشتغال داشتند؛ چنان که امام هادی علیه السلام کار کشاورزی انجام می داد و زمین های کشاورزی آن حضرت در اختیار افراد دیگر نیز قرار داشت. گفته شده فرزندش سید محمد (م. ۲۵۲ق)، مسئول رسیدگی به آن زمین ها بود.^۳ علی بن حمزه نقل می کند: ابوالحسن ثالث (امام هادی علیه السلام) را دیدم بر روی زمین مشغول کار است و عرق از پاهایش می ریزد. عرض کردم: «فدایت شوم، کارگرا کجایند...؟» امام علیه السلام فرمود: «ای علی بن حمزه! کسی که از من و از پدرم بهتر بود، با بیل در زمین خود کار می کرد...» عرض کردم:

۱. حسن انصاری، ابوسهل نوبختی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۵۷۹.

۲. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱۰، ص ۲۲۸.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۸۹.

«آن شخص که بود...؟» فرمود: «رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ و همه پدرانم، خودشان کار می‌کردند و کشاورزی، از جمله کارهای انبیا، رسولان، اوصیا و شایستگان می‌باشد...»^۱

به‌طور طبیعی، با توجه به وضعیت منطقه و نیز شیعیان و پیروی آنان از سیره رهبران خود، اشتغال امام به این شغل می‌تواند نشانه‌ای باشد از اینکه شیعیان هم بدان اشتغال داشته‌اند. نیز حضور سید محمد، فرزند امام هادی ﷺ در زمین‌های کشاورزی پدر بزرگوارش، علاوه بر آنکه خود تأیید اشتغال ایشان به‌عنوان فردی از شیعیان به کشاورزی است، بیانگر حضور شیعیان در این شغل نیز هست. یکی از یاران امام عسکری ﷺ در نامه‌ای از درآمد خود پرسید و به نی‌هایی که از نیزارها به دست می‌آورد و می‌فروخت، سؤال کرد و امام فرمود: «خمس آن، باید پرداخت شود.» طبیعی است که امور مربوط به نیزارها در زمره شغل‌های کشاورزی قرار می‌گیرد.^۲

ج. بازرگانی

یکی از شغل‌های مورد توجه مسلمانان، به‌ویژه اصحاب ائمه ﷺ، تجارت و بازرگانی بود که در خصوص اصحاب ائمه ﷺ در عصر ابناء الرضا ﷺ و در آستانه غیبت، گزارش شده است. از جمله مشاغلی که به این مورد مربوط می‌باشد، عبارت‌اند از:

۱. حنّاط

حنّاط، از ماده «حَنَطَ» به معنای گندم است و حنّاط، یعنی خریدار و فروشنده گندم.^۳ گندم به‌عنوان غذای غالب افراد جامعه، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و طبیعتاً شغل مهم و پُرونقی بوده است. در میان اصحاب ائمه ﷺ نیز برخی به این کار اشتغال

۱. شیخ صدوق، من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۲.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۳۹.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۷۸.

داشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به محمدبن عبدالحمید کوفی^۱ اشاره کرد که از موالی قبیله بَجِیلَه^۲ و از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود. نجاشی (۴۵۰ق)، او را از ثقات اصحاب در کوفه معرفی کرده و از اشتغال او به خرید و فروش گندم خبر داده است. نجاشی همچنین، کتاب *النوادر* را به او نسبت داده که می‌تواند شاهدهی بر جایگاه علمی او باشد.^۳ عبدوس العطار، احمدبن محمد یحیی قمی، یونس‌بن علی و محمدبن یحیی ابوجعفر، از دیگر اصحاب امام عسکری علیه السلام هستند که به این کار اشتغال داشته‌اند.^۴

۲. وِرَاق

وِرَاق، از ماده «ورق» و به معنای سازنده یا فروشنده ورق و کاغذ می‌باشد.^۵ برخی نیز وِرَاق را به کسی اطلاق کرده‌اند که به فروش کاغذ اشتغال داشته باشد.^۶ ابوریحان بیرونی، وِرَاقی را شغلی خدماتی و تجاری دانسته و گفته: «وِرَاقین، یعنی یک نفر عده‌ای خطاط را جمع می‌کرد و کتاب‌های خطی را از روی نسخ می‌نوشتند و می‌فروختند. ابن ندیم صاحب

۱. آیت‌الله خویی او را از اصحاب امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام دانسته و می‌گوید: او احتمالاً زمان غیبت را نیز درک کرده است. (ر.ک. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۲۳)

۲. بجیلَه (Bajila)، قبیله‌ای از قبایل مشهور عرب قحطانی و از فرزندان اَنَمَار بن اِرَاش بن عَمْرُو بن غَوَث بن نَبْت بن مَالِک بن زید بن کَهْلان بن سَبَأ است و صفت و نسب آن، بَجَلِی است. (ر.ک: ابن حزم اندلسی، *جمهرة الانساب العرب*، ص ۴۸۴)

۳. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۸۹.

۴. محمدبن حسن طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۴۱۰.

۵. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۰، ص ۳۷۵.

۶. بستانی فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی*، ص ۹۸۱.

فهرست، وراق بوده که نام‌های کتب معمول آن عصر را در کتاب خود جمع کرده و راجع به این صنعت، در کتاب خود بحث کرده است.^۱

بنابراین، می‌توان گفت وراق، یعنی کاغذفروشی. استنساخ، در آن دوره حرفه و صنعتی بوده که عده‌ای، از جمله اصحاب ائمه علیهم‌السلام، به آن اشتغال داشته‌اند. اگرچه در معنای تولیدکننده کاغذ می‌توان آن را جزء مشاغل تولیدی به حساب آورد و باتوجه به نگارش و نسخه‌نویسی از کارهای خدماتی برشمرد، اما از آنجاکه بیشتر درباره فروشنده کاغذ به کار رفته، در این نوشتار، از جمله مشاغل تجاری قرار گرفته است.

شغل کاغذفروشی، از دوره صادقین علیهم‌السلام (۹۴-۱۴۸ق) وجود داشته است و برخی از اصحاب ایشان هم، دارای این شغل بودند؛ مثل محمدبن تسنیم، معروف به ابوطاهر الوراق.^۲ از زمانی که تولید کاغذ آغاز شد، ثبت احادیث روی کاغذ، وسیله مناسبی برای نویسندگان و کاتبان قرار گرفت تا بتوانند احادیث و روایات ائمه علیهم‌السلام را بهتر حفظ و ثبت کنند و برای تسهیل در نشر احادیث، از کاغذ استفاده می‌نمودند. با رونق گرفتن کاغذسازی در دوره ابناء الرضا علیهم‌السلام (۲۰۳-۲۶۰ق)، اصحاب ایشان هم به این شغل روی آوردند؛ به طوری که ده نفر از اصحاب امام هادی علیه‌السلام، وراق بوده‌اند. از میان اصحاب امام عسکری علیه‌السلام، محمدبن هارون ابو عیسی الوراق (۲۴۸ق)، مؤلف کتاب‌های: «الإمامة»، «السقیفة»، «الحکم علی سورة لم یکن»، و «اختلاف الشیعة والمقالات» می‌باشد و چنان که از نامش برمی‌آید، به کاغذفروشی اشتغال داشته است.^۳

از دیگر اصحاب امام عسکری علیه‌السلام، ابوالفتح هلال بن ابراهیم دلفی می‌باشد^۴ که به این پیشه مشغول بوده است.

۱. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. محمدبن حسن طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۰۰.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۷۲.

۴. همان، ص ۴۴۲.

۳. زیات

زیات، از ماده «زیت» به معنای روغن است. زیات بر وزن فعال، به معنای روغن فروش است.^۱ زمانی که امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا تحت کنترل حکومت بودند، شیعیان و یاران ایشان به راحتی نمی توانستند با امامان ارتباط برقرار کنند و رفت و آمد به خانه امام علیه السلام به سختی صورت می گرفت. برخی اصحاب، مشاغلی را به عنوان پوشش برای رسیدن به امام برگزیدند و بدین وسیله، مسائل و مشکلات شیعیان را با امام در میان می گذاشتند و از امام کسب تکلیف می کردند.

عثمان بن سعید العمروی (۲۹۰ق) الزیات، کنیه اش ابو عمرو و سمان نیز به او گفته می شد. وی از یاران بزرگ و مورد وثوق امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بود که شغل روغن فروشی داشت و از آن برای ارتباط با امام عسکری علیه السلام استفاده می کرد و از این طریق، به منزل امام علیه السلام رفت و آمد می نمود. ابن عالم بزرگوار، از نواب خاص امام مهدی (عج) نیز می باشد.^۲ او برای اینکه به نام «وکیل امام» شناخته نشود و تحت تعقیب قرار نگیرد، روغن فروشی می کرد و به «روغن فروش» لقب یافت و با این عنوان، با شیعیانی که از مکان های مختلف به سامرا می رفتند و می خواستند وجوهات واجب را به امام عسکری علیه السلام برسانند، ارتباط برقرار می کرد و وجوهات واجب آنان را تحویل می گرفت و آن را در ظرف روغن خود پنهان می نمود و با نام روغن فروشی نزد امام می بُرد و به او تحویل می داد؛^۳ چنان که گروهی از شیعیان یمن به سامرا نزد امام عسکری علیه السلام رفتند و آن حضرت آنان را به وی ارجاع داد تا آن اموال را تحویل بگیرد.^۴ از دیگر اصحاب

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۵۷.

۲. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۵۵.

امام عسکری علیه السلام که به روغن فروشی اشتغال داشته، محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب است. او اهل کوفه بوده است.^۱ نجاشی او را دارای روایات متعدد، ثقه و مورد اعتماد توصیف کرده و «التوحید»، «المعرفة و البداء» و «الرد علی اهل القدر» را از آثار او دانسته است.^۲

۴. خُشَاب

خُشَاب، بر وزن فُعَال به معنای چوب و تخته فروش است.^۳ حسن بن موسی، خُشَاب بود. وی از دانشمندان اصحاب ائمه علیهم السلام بوده، آثاری نیز بر جای نهاده است. نجاشی می گوید: «او از بزرگان اصحاب است. دانش و حدیث بسیاری داشت و کتاب های *الرد علی الواقفه* و *النوادر* را تألیف کرده است.»^۴

۵. دکان داری

از شغل هایی که با رونق تجارت به وجود می آید یا پُررونق می شود، دکان داری و خرده فروشی است. که متاع های تاجران را خریده، به مشتریان عرضه می کنند و تاجران نیز از آنها کالاهای محلی را خریده، با خود به شهرهای دیگر می برند. بسیاری از شیعیان به دکان داری اشتغال داشته، انواعی از کالاها همچون: پارچه، گندم، پوست و امثال اینها را می فروختند. برخی از شغل هایی که شیعیان داشتند، عبارت بود از: ابریشم فروشی، ریسندگی، برده فروشی، بزازی، روغن فروشی، عطاری و بسیاری شغل های دیگر.^۵ ریان بن صلت از یاران امام عسکری علیه السلام، در نامه ای درباره درآمدی که از راه فروش ماهی،

۱. همو، *رجال الطوسی*، ص ۳۵۵.

۲. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۲۹۸.

۳. محمد مرتضی حسینی زبیدی، *تاج العروس*، ج ۱، ص ۴۶۳.

۴. محمد بن حسن طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۳۸۹.

۵. سعید الشیخلی، *اصناف در عصر عباسیان*، ص ۴۵.

غله و... به دست می‌آورد، از آن حضرت پرسید و امام علیه السلام فرمود: خمس آنها، بر شما واجب است.^۱ این پرسش، بیانگر اشتغال برخی شیعیان به چنین شغل‌هایی است.

۵. صنعتی

صنعتگری، از دیگر مشاغلی بوده که برخی از اصحاب امام عسکری علیه السلام به آن اشتغال داشته‌اند. صنعتگری، گرچه در دوره زمانی مورد نظر به شکل‌های ساده‌ای رونق داشته، اما خود دارای صنوف مختلفی بوده است؛ از جمله:

۱. صائغ الذهب

صائغ الذهب، به معنای سازنده طلا و زرگر می‌باشد^۲ که طبیعتاً نیازمند سرمایه قابل توجهی بود. در دوره‌های مختلف، از جمله در دوره پایانی عصر حضور و در آستانه غیبت حضرت مهدی (عج)، گروهی از شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام به آن اشتغال داشتند. محمدبن حسین بن سعید، از یاران و راویان امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام به این کار اشتغال داشته است. وی در سال ۲۶۹ق در سال‌های آغازین غیبت صغرا از دنیا رفت.^۳

۲. صفار

شاغلان به صفاری، با روی و روی‌گری سروکار داشتند. از جمله شیعیانی که به این شغل می‌پرداخت، محمدبن حسن الصفار از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد که به دلیل اشتغال به این شغل، به «صفار» معروف بوده است. ایشان از اصحاب امام عسکری علیه السلام، ثقة و از چهره‌های سرشناس قمیون بوده و با حضرت مکاتباتی داشته است.^۴

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۳۹.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۴۳۳.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۳۷.

۴. همان، ص ۲۶۵.

۳. لؤلؤیی

این شغل، منسوب به لؤلؤ، به معنای مروارید و لؤلؤیی، به معنای جواهرفروش و مرواریدفروش می‌باشد.^۱ این شغل نیز همانند زرگری، از شغل‌های مهم و نیازمند سرمایه قابل توجه بوده است. از جمله شیعیانی که به این شغل مشغول بوده، قاسم بن هشام اللؤلؤیی (م. ۳۲۰ق) از اصحاب امام عسکری علیه السلام است. وی فردی دانشمند بوده و کتابی با عنوان *النوادر* داشته است.^۲

حسین بن حسین اللؤلؤیی نیز یکی دیگر از اصحاب امام عسکری علیه السلام است که به این کار اشتغال داشته است.^۳

. خدماتی

مشاغل خدماتی، به کارهایی اطلاق می‌شود که چیزی را تولید نمی‌کنند و یا در خریدوفروش و دادوستد دخالت ندارند؛ بلکه در مقابل انجام کار و خدمت خود، مزدی را دریافت می‌کنند.

۱. کاتب

کاتب، در واژه‌نامه‌ها به معنای دبیر، مسئول دبیرخانه، دفتردار، منشی و نویسنده می‌باشد.^۴ کاتب، به کسی گفته می‌شود که رسائل و کتاب‌ها را به تحریر درمی‌آورد. در اصطلاح کتابت، یعنی صنعت انشاء رسائل، و صاحب آن، نویسنده و منشی می‌باشد.^۵ نگارش جوامع حدیثی در میان اصحاب ائمه علیهم السلام دارای سابقه است؛ به‌ویژه پس از دوران امام صادق علیه السلام (۸۳ - ۱۴۸ق)

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۱۶.

۳. همان، ص ۴۰.

۴. علی اکبر دهخدا، *لغت‌نامه دهخدا*، ذیل واژه «کاتب».

۵. کبیر مدنی شیرازی، *الطراز الاول والکناز لما من لغة العرب*، ج ۳، ص ۱۱.

افراد بسیاری در جامعه شیعه مصمم شدند تا روایات را جمع‌آوری کرده و آنها را با هدف ثبت و حفظ و نشر، برای شیعیان ساکن در مناطق دور و نزدیک نگارش نمایند. با گذشت زمان، بر شمار این مؤلفان افزوده شد و کتاب‌های بیشتر و مفصل‌تری تألیف گردید. یکی از این نویسندگان شیعه در روزگار امام عسکری علیه السلام، حسین بن اشکیب سمرقندی (متوفای نیمه دوم قرن سوم هجری) است؛ کسی که مدتی در قم در مقبره حضرت معصومه علیها السلام خدمتگزاری کرد و بعدها به سمرقند رفت و در آنجا ماندگار شد.^۱

وی باید یکی از حلقات پیوند تشیع قم با حوزه سمرقند که در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم شکل گرفت، باشد. نجاشی تألیفات او را بر شمرده که در میان آنها، کتابی با عنوان *الرد علی الزیدیه* به چشم می‌خورد.^۲ نظر به فعالیت زیدیه در این دوران و قیام‌های مکرر آنها احتمال آن می‌رفت که شماری از شیعیان، تحت تأثیر آنان قرار گیرند. بدین سبب، این دست کتاب‌ها که بیشتر با استناد به روایات صادره از امامان معصوم علیهم السلام تدوین می‌شد، وسیله خوبی برای کنترل این‌گونه انحراف‌ها بود.^۳

محمد بن خالد برقی، از چهره‌های برجسته این دوران بوده و آثاری تألیف کرده است. فرزند او احمد (م. ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)، شهرتی بیش از پدر داشته و یکی از شیعیان معاصر با امام هادی و امام عسکری علیه السلام بود که کتاب *المحاسن* وی، *دائرة المعارفی* مشتمل بر احادیث امامان در تمامی زمینه‌های مختلف معارف دینی از قبیل: اخلاق، تفسیر و جز آن بوده است. وی تألیفات دیگری هم داشته که از جمله آنها، کتاب *التبیین فی اخبار البلدان* در جغرافیای تاریخی دنیای اسلام بوده است.^۴

۱. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. رسول جعفریان، *حیات فکری و سیاسی ائمه*، ص ۵۵۵.

۴. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۷۱.

در میان اصحاب امام عسکری علیه السلام کسانی نیز پیدا می‌شدند که در زمینه مسائل علمی دست به تألیف می‌زدند. نجاشی پس از آنکه از احمد بن ابراهیم بن اسماعیل به عنوان یکی از خواص و نزدیکان امام عسکری علیه السلام یاد می‌کند، ضمن بر شماری آثار او، از کتابی با عنوان *اسماء الجبال والمياه والادویة* که تألیفی در دانش جغرافیایی بوده، نام می‌برد. ایشان همچنین، کتابهای: «بنی مرّة بن عوف»، «بنی عقیل» و «نوادیر الاعراب» را تألیف کرده است.^۱

ابراهیم بن حفص (ابو اسحاق الکاتب)، از دیگر اصحاب بزرگ امام عسکری علیه السلام است. او مردی ثقه و موجه است که کتابی با عنوان *رد اهل غلو و ابی الخطاب* دارد.^۲

از دیگر اصحابی که کاتب بودند، می‌توان به احمد بن محمد بن سیار بصری (م. ۲۶۸ ق)^۳ اشاره کرد. وی از کاتبان آل طاهر (۲۰۵-۲۵۹ ق) در زمان امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.^۴ اگرچه نمونه‌های پیشین نیز بر کاتب بودن برخی اصحاب ائمه علیهم السلام دلالت دارند، اما این مورد اخیر، خود نشان‌دهنده آن است که برخی شیعیان، شغل کاتبی در دربار برخی حاکمان را بر عهده داشته‌اند. همچنین، می‌توان به: محمد بن علی،^۵ ابوالفرج قنایی،^۶ ابوعلی محمد بن احمد بن جنید اسکافی،^۷ علی بن حبشی قونی،^۸ محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله

۱. همان، ص ۳۷۰.

۲. محمد بن حسن طوسی، *معراج اهل الکمال الی معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۴۴.

۳. همو، *رجال الطوسی*، ص ۳۹۷.

۴. نمازی شاهرودی، *مستدرکات علم الرجال الحدیث*، ج ۸، ص ۲۰۷.

۵. محمد بن حسن طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۴۰۱.

۶. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۸۹.

۷. همان، ص ۳۸۵.

۸. محمد بن حسن طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۴۳۲.

بنی‌ابی‌الثلیج،^۱ محمدبن داودبن سلیمان و محمدبن ابراهیم‌بن یوسف^۲ اشاره کرد که هریک از آنها، جزء یاران نزدیک امام عسکری علیه السلام بودند که در کتب رجالی، از آنها با عنوان «کاتب» یاد شده است.

نکته قابل ذکر آنکه شاید بتوان شغل کتابت را به شغل دیگر، یعنی نسخه‌نویسان و وراقان مرتبط کرد.

۲. معلم

یکی از مهم‌ترین مشاغل اصحاب ائمه علیهم‌السلام، به‌ویژه در سال‌های پایانی عصر حضور و در عصر امام حسن عسکری علیه السلام شغل معلمی بود. اگرچه این شغل به‌طور کلی برای همه اصحاب یا بیشتر آنان قابل تصور است، اما اینکه به‌عنوان شغل آنان باشد، درباره برخی افراد گفته شده است که از جمله آنها می‌توان به احمدبن‌ادریس اشعری قمی (متوفای اوایل قرن چهارم)، معروف به «معلم» اشاره کرد که فقیه نامدار و یکی از چهره‌های درخشان شهر قم بوده است. از یاران نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام بود و به محضر ایشان رسید و موفق به تألیف کتاب‌های ارزشمند فقهی و حدیثی از جمله کتاب *النوادر* شد. ایشان روایات متعددی از ائمه علیهم‌السلام نقل کرده است. از مهم‌ترین و مشهورترین شاگرد وی، محمدبن یعقوب کلینی (۳۲۹ق) است که کتاب *کافی* را تألیف نموده است. کلینی در این کتاب، روایات ابن‌ادریس را بدون واسطه نقل کرده است. ایشان همچنین، به شهرهای: کوفه، بغداد و حجاز مسافرت کرد تا با ترویج، تبلیغ و نشر احکام نورانی اسلام، وظیفه الهی خود را انجام دهد.^۳

۱. همان، ص ۴۴۳.

۲. محمدبن حسن طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۴۴۴.

۳. عنایت‌الله قهبایی، *مجمع الرجال*، ج ۱، ص ۹۳.

نتیجه

اصحاب ائمه علیهم السلام، همانند سایر اصناف و طبقات اجتماعی و مبتنی بر توصیه‌های قرآن کریم و معصومین علیهم السلام، به کسب روزی حلال اهتمام داشته‌اند؛ به طوری که از بین صد و ده نفر از اصحاب و راویان امام حسن عسکری علیه السلام، بیست و شش نفر آنها در یک شغل شهرت داشته‌اند؛ شغل‌هایی که عمدتاً در ادامه اسم و یا به عنوان لقب برای آنها به کار می‌رفته است؛ همانند: خشاب، صفار، زیات و... در این میان، برخی از اصحاب، شغل خود را وسیله‌ای برای ارتباط با امام قرار داده بودند و از این طریق، به خانه امام رفت‌وآمد داشتند. از جمله آنها، عثمان بن سعید، از وکلای مورد اعتماد امام علیه السلام بود که بعد از آن، از نواب خاص حضرت مهدی (عج) شد او از طریق روغن فروشی، با امام دیدار و ارتباط برقرار می‌کرد. همچنین، متنوع بودن مشاغل، نشان‌دهنده آن است که اصحاب به شغل خاصی منحصر نبودند و نکته مهم‌تر آنکه اصحاب ائمه در کنار این مشاغل، به ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام نیز اهتمام داشتند و همواره به دنبال یادگیری و تعلیم معارف دین اسلام بودند و همان‌گونه که در عرصه اقتصادی و اجتماعی فعالیت داشتند، در پی حفظ و نشر روایات ائمه اطهار علیهم السلام و به صورت ویژه، ابناء الرضا علیهم السلام و به خصوص امام حسن عسکری علیه السلام بودند و شغلشان، هم وسیله کسب معیشت حلال بوده و هم راهی برای نشر معارف اسلامی.

منابع

۱. ابن حزم اندلسی، ابی محمد بن احمد بن سعید، ۴۰۳ق، *جمهرة الانساب العرب*، تحقیق: لجنة العلماء، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۴۱۴ق، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار صار.
۳. افلاکیان، مجید، پاییز ۱۳۹۲، «مشاغل و حرف اصحاب و راویان ائمه تا پایان عصر غیبت صغرا»، *تاریخ در آینه پژوهش*، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۳۵.
۴. بیرونی، ابوریحان، ۱۳۸۶ش، *آثار الباقیه*، ترجمه: اکبر داناسرشت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۵. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۲ش، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام*، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
۶. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱ش، *حیات فکری سیاسی ائمه علیهم السلام*، قم، انتشارات انصاریان.
۷. خوبی، سید ابوالقاسم، بی تا، *معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة*، چاپ اول، نجف، مکتبه الامام الخوئی.
۸. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سعید الشیخلی، صباح ابراهیم، ۱۳۹۹ش، *اصناف در عصر عباسیان*، ترجمه: دکتر هادی عالمزاده، مرکز نشر دانشگاهی چاپ سکه.
۱۰. شریف قرشی، باقر، ۱۳۷۵ش، *حیة الامام الحسن العسکری علیه السلام*، ترجمه: سید حسن اسلامی، چاپ چهارم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۶ق، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، چاپ دوم، دار الشریف الرضی للنشر.
۱۲. —، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۷۳ش، *رجال الطوسی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی لتابعة جامعه المدرسین قم المقدسه.

۱۴. —، ۱۴۱۲ق، معراج اهل الكمال الى معرفة الرجال، پدیدآور: سلیمان بن عبدالله بحرانی و عبدالزهراء العویناتی، قم.
۱۵. —، ۱۴۱۱ق، الغیبة، چاپ اول، قم، دار المعارف الاسلامیه.
۱۶. —، ۱۳۶۵ش، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. قهپایی، عنایت الله، ۱۳۶۴، مجمع الرجال، قم، اسماعیلیان.
۱۹. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان، ۱۳۸۴ش، الطراز الاول والکناز لما من لغة العرب المعمول، مشهد، مؤسسه آل البيت: لاهیات التراث.
۲۰. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشی، چاپ اول، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، ۱۳۶۳ش، شرح احقاق الحق، تحقیق: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۲۴. مطهری، حمیدرضا، کسب و کار بر اساس آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۶۴ش، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۷. موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۲۸. نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۴ق، مستدرکات علم الرجال الحدیث، چاپ اول، تهران، ناشر: فرزند مؤلف.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی